T.me/DaneshSad

قلمرو ادبی: خراب، عمارت: تضاد / شهر را از عدل دیوار کن: تشبیه / گِل، خشت، سنگ، گچ: مراعات نظیر

قلمرو فکری: والیِ شهری به خلیفه نامه نوشت و گفت: «دیوار شهر خراب شده است و باید دوباره بنا کرد.» خلیفه در پاسخ نوشت: «با عدالت و انصاف حکومت کن و امنیت جاده ها را تامین کن. در این صورت دیگر نیازی به ساختن دیواری از گِل و خشت و سنگ و گچ نخواهد بود.»

درس پنجم: بیداد ظالمان

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: رونق: فروغ، شکوه / مرجع ضمیر «شما»: توانگران ظالم // بگذرد (می گذرد): مضارع اخباری / هم.....هم: حرف ربط همپایگی مزدوج/ مرگ: نهاد/ جهان : متمم/ شما: مضاف الیه/ رونق زمان شما: گروه نهادی/ زمان: مضاف الیه

قلمرو ادبی: جهان: مجاز از زندگی/ رونق زمان: کنایه از روزگار قدرت و سلطه/ مرگ بر جهان کسی گذشتن: کنایه از فرارسیدن مرگ او/ گذر مرگ : تشخیص

قلمرو فکری: مرگ به سراغ شما نیز خواهد آمد و روزی این شُکوه و عظمت شما نیز به پایان خواهد رسید.

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: بوم: جغد/ محنت: اندوه، ناراحتی/ از پی: به خاطرِ / دولت آشیان: دولت سرا، آشیانهٔ خوشبختی// بوم: نهاد/ محنت: مضاف الیه / خراب: مسند/ کُند (بُکند): مضارع التزامی / نیز: قید/ بگذرد (می گذرد): مضارع اخباری

قلمرو ادبی: بوم محنت: اضافه تشبیهی/ جغد: نماد شومی / بوم محنت بر آشیان کسی گذشتن: کنایه از نابودی قدرت و شکوه.

قلمرو فکری: غم و اندوه، مانند جغد ویرانگری است که آشیانهٔ خوشبختی شما را نیز ویران خواهد کرد.

آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهانِ شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: اجل: مرگ/ گلوگیر: قطع کننده نفس// آب: نهاد / اجل: مضاف الیه/ گلوگیر: مسند/ نیز: قید

قلمرو ادبی: مصراع اول تلمیح به آیه شریفه «کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْت» / آب اجل: اضافه تشبیهی/ خاص و عام: مجاز از همه مردم / آب اجل بر حلق کسی گذشتن: کنایه از مرگ و نابودی/ گلو، حلق، دهان: مراعات نظیر/ خاص و عام: تضاد

قلمرو فکری: مرگ که همه انسان ها را از بین می برد، روزی به سراغ شما هم خواهد آمد.

چون دادِ عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: داد: عدالت و انصاف/ بقا: جاودانگی / بیداد: ظلم// به جهان در: دو حرف اضافه برای یک متمم / داد: نهاد

قلمرو ادبی: داد و بیداد: تضاد / واج آرایی: تکرار واج های «آ»، «د»

قلمرو فکری: وقتی عدل و انصافِ انسان‌های عادل در جهان باقی نماند، پس ظلم و ستم شما نیز دوام و بقایی ندارد.

T.me/DaneshSad

در مملکت چو غرّش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: غرش: صدای مهیب، فریاد ترسناک// مملکت: متمم/ غرش: نهاد/ گذشت – رفت: ماضی ساده / عوعو: نهاد/ سگان: مضاف الیه / و: حرف ربط وابسته ساز/ عوعو: نهاد / سگان: مضاف الیه

قلمرو ادبی: شیران: استعاره از دلیران و افراد شجاع / سگان: استعاره از افراد پست، کارگزاران نالایق / واج آرایی: تکرار واج «ش»

قلمرو فکری: وقتی حاکمان شجاع و عادل تاریخ در این دنیا باقی نماندند، پس یقین بدانید هیاهوی مأموران پَست و نالایقِ شما هم روزی به پایان می رسد.

بادی که در زمانه بسی شمع ها بکُشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: کُشتن: در اینجا یعنی خاموش کردن// باد: نهاد/ زمانه: متمم/ بکُشت: ماضی ساده / چراغدان: متمم/ شما: مضاف الیه

قلمرو ادبی: باد: استعاره از مرگ / شمع: استعاره از انسان‌های بزرگ/ چراغدان: استعاره از زندگی و عمر/ باد بر شمع و چراغدان وزیدن: کنایه از مرگ و نابودی / تلمیح به آیه «کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ».

قلمرو فکری: مرگ همچو بادی است که شمع وجودِ انسان ها را خاموش می کند. مطمئن باشید که شمعِ وجودِ شما را نیز روزی خاموش می کند. (خواهید مُرد)

زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت ناچار، کاروانِ شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: این: صفت اشاره/ کاراونسرا: متمم/ کاروان: نهاد/ بسی: قید/ ناچار: قید / شما: مضاف الیه

قلمرو ادبی: کاروانسرا: استعاره از دنیا / کاروان در مصراع اول: استعاره از انسان ها / کاروان در مصراع دوم: استعاره از عمر و زندگی ظالمان / واج آرایی: تکرار واج«آ»

قلمرو فکری: انسان‌های زیادی به دنیا که مانند کاروان‌سرایی است، آمدند و رفتند. شما نیز ناگزیر از این دنیا خواهید رفت.

ای مُفتخر به طالعِ مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: مفتخر: سربلند، صاحب افتخار، نازنده / طالع: سرنوشت، بخت / اختران: ستارگان// حذف منادا به قرینه معنایی : ای [کسی که] مفتخر به ..! / طالع: متمم /تاثیر: نهاد/ اختران: مضاف الیه/ بگذرد (می گذرد) : مضارع اخباری

قلمرو ادبی: مصراع دوم:کنایه از موقت بودن خوشبختی/ واج آرایی: تکرار واج «ت»/ تاثیر اختران: اشاره به باور پیشینیان در مورد تاثیرگذاری ستارگان بر سرنوشت انسان/ تلمیح به حدیث امام علی (ع): الدهر یومان یوم لک و یوم علیک (دنیا دو روز است روزی با تو و روزی بر تو.)

قلمرو فکری: ای کسی که به بخت خوبِ خود افتخار می کنی. این بخت و اقبال فرخُندهٔ شما نیز به پایان خواهد رسید.

بر تیر جورتان ز تحمّل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: جور: ستم// تیر: متمم/جور: مضاف الیه/ «تان» در جورتان: مضاف الیه/ ز: حرف اضافه/ تحمل: متمم/ سپر: مسند / کُنیم (می کنیم): مضارع اخباری/ سختی: نهاد/ کمان: مضاف الیه

T.me/DaneshSad

قلمرو ادبی: اضافه تشبیهی: تیر جور/ ز تحمل سپر کنیم: تشبیه / سپر کردن تحمّل: کنایه از مقاومت کردن / سختی کمان شما بگذرد: کنایه از به پایان رسیدن قدرت زورگویی / تیر، سپر، کمان: مُراعات نظیر/ کمان: مجاز از زورگویی

قلمرو فکری: با صبر و تحمل، در برابر ستم و ظلمِ شما استقامت می کنیم تا اینکه دورهٔ زورگویی شما نیز به پایان برسد.

ای تو رمه سپرده به چوپانِ گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: رمه: گله/ گرگ‌طبع: درنده‌خو/ شبان: چوپان// حذف منادا به قرینه معنایی: ای [کسی که] تو رمه را... سپرده[ای]: ماضی نقلی /رمه: مفعول/ چوپان: متمم/ گرگ‌طبع : صفت/ این: صفت اشاره/ گرگی: نهاد/ شبان: مضاف الیه/ شما: مضاف الیه

قلمرو ادبی: رَمه: استعاره از مردم عادی/ چوپان: استعاره از فرمانداران ظالم/ گرگی: استعاره از رفتار ظالمانه/ گرگ، رمه، چوپان، شبان: مراعات نظیر/ گرگ طبع: تشبیه میان واژه ای

قلمرو فکری: ای پادشاهی که مردم را به دستِ کارگزاران و فرمانداران گرگ‌صفت سپرده ای. این دوران ظلم شما نیز روزی به پایان خواهد رسید.

کارگاه متن پژوهشی درس پنجم

قلمرو زبانی

۱-در شعری که خواندید، پنج واژهٔ مهم املایی بیابید و بنویسید.

رونق – محنت – طالع – خاص و عام - بقا

۲-تفاوت معنایی فعل «کُشت» را در ابیات زیر توضیح دهید.

گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو**کُشت** گفت تو بندگی کن کاو بنده پرور آید

نابود کرد (مجاز از بی‌تابی و بی قرار کردن)

بادی که در زمانه بسی شمع ها **بکُشت** هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

خاموش کرد

۳-برای هر واژهٔ مشخص شده، یک مترادف از متن درس بیابید.

بر در بخت بد فرود آید هرکه گیرد عنان مرکبش، آز ناصرخسرو

طالع

همت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همت تو اعتبار تو ابن یمین

رونق

قلمرو ادبی

۱-قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید.

قافیه: جهان – زمان **ردیف: بر شما نیز بگذرد**

T.me/DaneshSad

۲-در بیت زیر،کنایه ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

سپر کردن تحمّل: کنایه از مقاومت کردن و ایستادگی

گذشتن سختی کمان: کنایه از به پایان رسیدن قدرت زورگویی

۳- به بیت زیر توجه کنید:

برکن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند محمد تقی بهار

در مصراع اول، مقصود شاعر از «بنا»، مفهوم «ظلم» اسلت؛ یعنی شاعر، «ظلم» را به «بنا» تشبیه کرده است؛ سپس به سبب شباهت آن دو به هم مشبه (ظلم) را حذف کرده و فقط مشبه به (بنا) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی شدن نشان دهد؛ به این تصویر خیال انگیز، «استعاره» می گویند.

در استعاره، یک طرف تشبیه(مشبه یا مشبه به) ذکر نمی شود.

مثال برای حذف «مشبه به» خورشید شکفت:

«خورشید»به«گل» تشبیه شده است و «شکفتن» از ویژگی های گل است که به خورشید نسبت داده شده است.

در بیت پنجم، استعاره ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

شیران: استعاره از دلیران و افراد شجاع / سگان: استعاره از افراد پست و نالایق

قلمرو فکری

۱-با توجه به توضیح زیر، معنی و مفهوم بیت اول درس را به نثر روان بنویسید.

سیف‌الدین محمد فرغانی، در سدهٔ هفتم هجری، هنگامی که شهرهای بزرگ و آباد ایران،در آتش بیداد مغولان می‌سوخت، این شعر را سرود. سیف در این سروده، از رفتار ظالمانه فرمانروایان و تاخت و تاز سپاه مغول، با بیان کوبنده‌ای انتقاد می‌کند.

۲-در بیت زیر، مقصود شاعر از«رمه»، «چوپان گرگ طبع» و «گرگی شبان» چیست؟

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

رمه: استعاره از مردم / چوپان گرگ طبع: استعاره از فرمانداران ظالم و درنده خو / گرگی: استعاره از رفتار ظالمانه حاکم

۳-از متن درس، برای حدیث و آیه زیر، نمونه بیتی مرتبط بیابید و بنویسید.

الدهر یومان یوم لک و یوم علیک امام علی(ع)

ای مُفتخَر به طالعِ مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

کل نفس ذائقه الموت سوره آل عمران،آیه۱۸۵

آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهانِ شما نیز بگذرد

٤-سروده زیر، یادآور کدام بیت درس است؟

ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان* خاقانی

*خذلان: خواری ، پستی، مذلت

چون دادِ عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

T.me/DaneshSad

شعر خوانی: همای رحمت

علی ای هُمای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه هُما را

قلمرو زبانی: همـا: پرندهای از راسته شکاریان، دارای جثه ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل، نماد سعادت به شمار می‌آید/ رحمت: مهربانی، بخشش/ آیت: نشانه ماسوا: مخفف ماسوی الله؛ آنچه غیر خداست ، همه مخلوقات// «را» در مصرع اول: حرف اضافه (برای) / «را» درمصرع دوم: نشانه مفعول

قلمرو ادبی: هما: نماد خوشبختی و سعادت/ همای رحمت: اضافه تشبیهی / هما: استعاره از حضرت علی(ع)

قلمرو فکری: علی ای پرندهٔ خوشبختی! تو چه نشانه‌ای از سوی خداوند هستی که این‌گونه سایهٔ خوشبختی و رحمت الهی را بر سر همهٔ موجودات عالم افکنده‌ای.

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

قلمرو زبانی: حذف فعل به قرینه معنایی: به خدا [سوگند می‌خورم.]

قلمرو ادبی: دل: مجاز از انسان / واج آرایی: تکرار واج «خ»

قلمرو فکری: ای دل (انسان)، اگر می‌خواهی خدا را به درستی بشناسی، به علی(ع) و رفتار او توجه کن، به خدا سوگند که من خدا را از طریق علی (ع) شناختم.

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

قلمرو زبانی: را: حرف اضافه (به)

قلمرو ادبی: در خانه کسی را زدن: کنایه از کسی یاری خواستن/ نگین: مجاز از انگشتری / تلمیح به داستان بخشیدن انگشتری در نماز توسط حضرت علی(ع) و نیز آیه شریفه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

قلمرو فکری: ای انسان نیازمند! برو و در خانهٔ علی(ع) را بزن و از او کمک بخواه. زیرا اوست که از روی لطف و بخشش بسیار ، انگشتر خود را در نماز به فقیر بخشید.

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

قلمرو زبانی: مدارا: خوش رفتاری

قلمرو ادبی: تلمیح به ضربت خوردن حضرت علی(ع) به دست ابن ملجم/ پسر: منظور امام حسن(ع) است.

قلمرو فکری: به غیر از حضرت علی(ع) چه کسی به پسرش می گوید که با قاتل من که اکنون در دست تو اسیر است با ملایمت و مهربانی رفتار کن.

به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب که عَلَم کند به عالم شهدای کربلا را؟

قلمرو زبانی: ابوالعجایب: شگفت انگیز/ عَلَم کرد: مشهور کردن

قلمرو ادبی: بیت تلمیح دارد به واقعه کربلا که سبب جاودانگی امام حسین(ع) و یارانش در تاریخ شد./ عَلَم کردن:

T.me/DaneshSad

کنایه از مشهور کردن، سرشناس کردن/ عَلَم و عالَم: جناس/ که (چه کسی) / که (حرف پیوند): جناس همسان/ بیت پرسش انکاری دارد.

قلمرو فکری: به جز علی(ع)چه کسی می‌تواند پسری به دنیا آورد که واقعهٔ کربلا و شهدای آن را در عالم جاودانه سازد؟

چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان چو علی که می تواند که به سر برد وفا را؟

قلمرو زبانی: «چو» در مصراع اول: حرف ربط (هنگامی که) / «چو» در مصراع دوم: مانند / پاکباز: آن که همه هستی خود را می‌بازد.

قلمرو ادبی: چو، چو : جناس همسان / تلمیح به وفاداری و همراهی حضرت علی(ع) با پیامبر(ص) در برپایی و گسترش دین اسلام / بیت پرسش انکاری دارد.

قلمرو فکری: از میان عاشقان پاکبازی که با خدا پیمان وفاداری بسته‌اند، کدام یک همچون امام علی (ع) می‌تواند وفاداری را به کمال برساند؟

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیّرم چه نامم شه ملک لافتی را

قلمرو زبانی: مُلک: سرزمین، کشور/ فتی: جوان

قلمرو ادبی: تلمیح به عبارت «لافتی إلا علی؛ لاسیف إلا ذوالفقار: هیچ جوانمردی جز علی نیست، هیچ شمشیری جز ذوالفقار نیست.» / واج آرایی: تکرار واج «ن»

قلمرو فکری: نه او را خدا می‌توانم بنامم و نه می‌توانم او را در ردیف بشر بگذارم. در شگفتم که این پادشاهِ سرزمینِ جوانمردی را چه بنامم؟

چه زنم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را

قلمرو زبانی: نای: نی / نوا: صدا، آهنگ / لسان غیب: لقب حافظ // را: نشانه مفعول

قلمرو ادبی: چه زنم چو نای: تشبیه / «دم» اول (مجاز از لحظه) / «دم» دوم (مجاز از سخن): جناس همسان

قلمرو فکری: چرا مانند نِی از شور و شوق او سخن بگویم، زیرا لسان غیب (حافظ)، این شور و اشتیاق را زیباتر از من بیان کرده است.

«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»

قلمرو زبانی: آشنا: عاشق/ بنوازد: دلجویی کردن

قلمرو ادبی: نسیم: نماد پیام رسانی/ آرایه تضمین «این بیت از حافظ است که شهریار آن را در غزل خود ذکرکرده است.» / نسیم صبحگاهی آشنا را بنوازد: تشخیص

قلمرو فکری: هر شب به این امید هستم که هنگام صبح، نسیم بامدادی با پیغامی از جانب دوست، منِ عاشق را مورد لطف و نوازش قرار دهد.

ز نوای مرغ یاحق بشنو که در دل شب غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

قلمرو زبانی: نوا: آواز / مرغ: پرنده / مرغ یاحق: گونه ای جغد که در شب برای شکار و تغذیه از لانه اش خارج می شود و آوازش شبیه به کلمهٔ «حق» است.

T.me/DaneshSad

قلمرو ادبی: دل شب: مجاز از میانه شب

قلمرو فکری: ای شهریار! صدای مرغ یا حق را بشنو که در نیمه‌های شب، غم دل را به خدا می‌گوید. غمِ خود را به حضرت دوست گفتن، چقدر خوب و دلنشین است.

درک و دریافت (شعر خوانی: همای رحمت)

۱-برای خوانش مناسب و تأثیرگذار این سروده به چه نکاتی باید توجه داشت؟

برای خوانش تأثیرگذار این شعر باید به درک درست معنا و عاطفه، همچنین رعایت آهنگ و موسیقی کلام توجه کرد.

۲-در این سروده به کدام ویژگی های شخصیت والای حضرت علی(ع) اشاره شده است؟

گذشت و مهربانی، بخشندگی، وفاداری

درس ششم: مهر و وفا

هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد خدایش در همه حال از بلا نگه دارد

قلمرو زبانی: بلا: گرفتاری// خدا: نهاد/ «ش» در خداش: مفعول (خدا او را) / بلا: متمم/ نگه دارد (مصراع دوم): مضارع اخباری (نگاه می دارد.)

قلمرو ادبی: جانب اهل وفا نگه داشتن: کنایه از پشتیبانی کردن، حمایت/ واج آرایی: تکرار واج «آ»

قلمرو فکری: هر کسی که از اهل وفا و محبت حمایت کند؛خدا نیز همیشه او را از بلا و گرفتاری حفظ می‌کند.

«حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست» که آشنا سخن آشنا نگه دارد

قلمرو زبانی: حدیث: ماجرا، روایت، سخن / مگر: جز / حضرت: جناب // حدیث: مفعول/ دوست: مضاف الیه/ به: حرف اضافه/ حضرت: متمم/ مگر: قید/ نگویم (نمی گویم): مضارع اخباری/ که: حرف ربط وابسته ساز/ آشنا (اولی): نهاد/ آشنا (دومی): مضاف الیه

قلمرو ادبی: مصراع دوم: واج آرایی: تکرار واج «آ»/ آرایه تضمین: حافظ مصراع اول را عیناً از سعدی نقل کرده است.

قلمرو فکری: تنها در حضور دوست، از عشق او سخن می‌گویم، زیرا دوست، رازِ دوست را فاش نمی‌کند.

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد

قلمرو زبانی: معاش: زندگی، زیست، زندگانی // دل: منادا/ الف در دلا: حرف ندا/ فعل بعد از منادا، به قرینه معنایی حذف شده است./ پا: نهاد/ بلغزد: مضارع التزامی/ فرشته: نهاد / فرشته ات: «ت»: مفعول (فرشته تو را) / دست: متمم/ دو: صفت شمارشی / دست: متمم/ دعا: مضاف الیه

قلمرو ادبی: تشخیص: مخاطب قرار دادن دل / دلا: مجاز از انسان// بلغزد پای: کنایه از دچار خطا و اشتباه شدن / دل، پا، دست: مراعات نظیر/ واج آرایی: تکرار واج «د»/ نگهداشتن به دو دست: ایهام ← ۱-دست به دعا بلندکردن ۲-کسی